

## دعای روز یازدهم

اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ فِيهِ الْإِحْسَانَ وَ كَرِّهْ فِيهِ الْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ وَ حَرِّمْ عَلَيَّ فِيهِ  
السَّخَطَ وَالنَّبْرَانَ بَعْوَيْكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ:

خدایا! در این روز، احسان و نیکویی را محبوب من گردان و فسق و معاصی را ناپسند من قرار ده و در این روز، خشم و آتش قهرت را بر من حرام گردان. به یاری خود، ای فریادرس فریادخواهان.

### ترجمه منظوم دعا

ای خدا یا نزد من محبوب دار	فیض و احسان را الی یوم القرار
حالتی ده تا که با میل فواد	من کنم خوبی، برم احسان به کار
شوق احسان در دلم پیدا شود	متصل خوبی کنم در هر دیار
نی به مخصوصین و با خویشان خود	بلکه بر مردم صغار و هم کبار
ای خدا مبعوض کن در نزد من	فسق و عصیان را کز او سازم فرار
آن چنان بی میل گردم از گناه	کو فزون آید ز تعداد و شمار
کن حرام این دم بر این عبد ذلیل	سخط و قهر و دوزخ و زنجیر و نار
نیست ما را طاقت ذوق عذاب	از کرم ما را به راحت واگذار
حق عون و یاری و لطفت قسم	بر تمام خلق در لیل و نهار
یا غیاث المستغیثین الغیاث	یا مجیر المستجیرین زینهار

## فقره اول دعا:

اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ فِيهِ الْإِحْسَانَ:

خدایا! در این روز احسان و نیکویی را محبوب من گردان.

منظور از «حَبِّبْ إِلَيَّ فِيهِ الْإِحْسَانَ» چیست؟

انسان برای اینکه محبوب پروردگار خویش گردد، از خدای خویش می‌خواهد احسان و نیکوکاری را محبوب او گرداند که ما نیز در این روز از خداوند می‌خواهیم حب احسان و نیکوکاری در راه رضایش را نصیب ما گرداند.

### احسان و نیکی، از نشانه‌های ایمان است

در دعای این روز مبارک، از خداوند می‌خواهیم احسان را محبوب ما گرداند و فسق و گناه را منفور ما کند تا با وجود چنین حالتی همواره مشغول طاعت و عبادت حضرت حق باشیم. خداوند بزرگ در قرآن کریم می‌فرماید:

«.....وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ»<sup>۱</sup> اما خداوند، ایمان را برای شما دوست‌داشتنی کرد و آن را در دل‌های شما بیاراست و کفر و پلیدکاری و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت.

احسان و نیکی کردن، یکی از نشانه‌های ایمان است که خداوند به آن امر نموده است. قرآن کریم می‌گوید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...»<sup>۲</sup> خداوند به عدل و نیکوکاری فرمان

می‌دهد.

۱. حجرات: ۷.

۲. نحل، آیه ۹۰.

## رفتارهای اجتماعی دو نوع می‌باشند:

۱. عادلانه: عدل یعنی گذاشتن هر چیزی در جای بایسته آن. پس در معنای اجتماعی، عدل یعنی رعایت حقوق دیگران.

۲. محسنانه: اما رفتار محسنانه، فراتر از رفتار عادلانه است؛ یعنی شخص نه تنها حقوق دیگران را رعایت می‌کند؛ بلکه وجودش سراسر خیر و نیکی شده و در کنار خیرخواهی برای افراد، از بدی آنها می‌گذرد. اجتناب از رفتارهایی چون تهمت و غیبت، از نوع رفتار عادلانه و عفو و گذشت و فروخوردن خشم، از نوع رفتارهای محسنانه است.

حقوق برادری، در روابط اجتماعی و رفتار محسنانه، همان آیین مهرورزی است. اگر خداوند دعای امروز ما را مستجاب کند و ما عاشق احسان‌کردن شویم، نتیجه آن را در نعمت‌های بی‌پایان خداوند در بهشت جاودان خواهیم دید. خداوند وقتی در سوره مبارکه «الرحمن» به ذکر بهشت و نعمت‌های گوناگون آن می‌پردازد، دلیل چنین پذیرایی ویژه‌ای را از بندگان صالح خود، چنین بیان می‌فرماید: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ»<sup>۱</sup>: آیا پاداش احسان و نیکوکاری، جز احسان است؟ اگر احسانی انجام دادیم، آن احسان به خود ما بر می‌گردد.

از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده است: در بنی‌اسرائیل قحطی شدیدی پیش آمد که مردم خیلی در سختی بودند. یک روز زنی، لقمه نانی تهیه کرده بود، آن را به دهان برد تا بخورد. سائلی از پشت در صدا زد: «یا امه‌الله! الجوع! ای کنیز خدا! گرسنه‌ام». زن، آن لقمه را از دهانش بیرون آورد و به خود گفت: سزاوار نیست که من بخورم و او گرسنه بماند! و آن را با نیت صدقه، به سائل داد.

بعد از این جریان، آن زن طفل صغیر (کوچک) خود را برداشته و برای جمع کردن هیزم به صحرا رفت. طفل را کناری گذاشته و خود مشغول جمع کردن هیزم شد. ناگهان گرگی آمد و بچه را به دهان گرفت و روانه شد! وقتی زن متوجه شد، صیحه‌ای زد و دنبال گرگ روان شد. خداوند جبرئیل را فرستاد و او آن بچه را از

۱. الرحمن، آیه ۶۰

دهان گریخته و به مادرش داد و گفت: لقمه به لقمه! آیا راضی شدی؟ یک لقمه دادی و یک لقمه گرفتی.<sup>۱</sup>

با هر دست که بدهی، با همان دست پس می‌گیری.

اگرچه نیکی کردن و احسان به انسان‌ها، خوب و دارای پاداش است؛ اما در میان همه، نیکی به پدر و مادر دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است. تا آنجا که خداوند در پنج آیه گوناگون در قرآن کریم با واژه «بِأَلْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» به این مهم، اشاره فرموده است.<sup>۲</sup>

### آثار نیکی و احترام به والدین

نیکی و احترام به پدر و مادر و راضی و خشنودنمودن آنان، آثار و فواید بسیار مهم و ارزنده و سعادت دنیوی و اخروی را در پی خواهد داشت. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

#### ۱. خشنودی خداوند و غفران الهی:

خشنودی خداوند، یکی از مهم‌ترین نتایج نیکی و احترام به والدین است؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «حسن سلوک و نیکی به والدین، از حسن شناخت و معرفت عبد به خداوند تعالی است؛ زیرا هیچ عبادتی انسان را به سرعت نیکی به پدر و مادر، به خشنودی خداوند تعالی نمی‌رساند. آن هم احسانی که محض تحصیل رضای پروردگار باشد». بدین دلیل خداوند در سوره اسراء، بعد از آنکه انسان را به نیکی کردن و احترام به پدر و مادر دستور می‌دهد، می‌فرماید: «پروردگارتان به آنچه در درون شماست، آگاه‌تر از خودتان است. اگر صالح باشید، قطعاً او آمرزنده توبه‌کنندگان است».<sup>۳</sup>

بنابراین از آنجا که گاهی درباره حفظ حقوق پدر و مادر و احترام آنها و توافقی که بر فرزند لازم است، ممکن است لغزش‌هایی پیش بیاید که انسان آگاهانه یا ناآگاهانه به سوی آن کشیده شود، چنانچه بلافاصله پشیمان شود و در مقام جبران برآید، مسلماً مشمول عفو خدا خواهد شد.

۱. گنجینه لؤلؤ و مرجان.

۲. سوره‌های بقره، نساء، انعام، اسراء و احقاف.

۳. اسراء: ۲۵.

## ۲. طول عمر:

یکی دیگر از آثار احترام به والدین، طولانی شدن عمر انسان است. پیامبر ﷺ در این باره می‌فرماید: «ای فرزند آدم! به پدر و مادرت نیکی کن و صلّه رحم را به جا آور، تا خداوند کارت را آسان و عمرت را طولانی بگرداند. پروردگارت را فرمان ببر، تا خردمند به شمار آیی و از او نافرمانی نکن که نادان شمرده می‌شوی». همچنین می‌فرماید: «در آنچه خدای متعال در "الوواح" به موسی ﷺ داد، از جمله چنین بود:... مرا و پدر و مادرت را سپاسگزاری کن، تا تو را از نابود شدن‌ها حفاظت کنم و اجلت را به تأخیر بیندازم و به تو زندگی ای پاک ببخشم و تو را از این زندگی، به سوی بهتر از آن ببرم».

## ۳. فراوانی روزی:

خداوند متعال «رزاق» است. تمامی موجودات بر سفره لطف و احسان او حضور دارند و از نعمت‌های او، چه مادی و چه معنوی، بهره‌مند می‌شوند. وظیفه ما در قبال این همه نعمتی که خداوند به ما عطا کرده، این است که همیشه و در همه حال سپاس‌گزار او باشیم. در حقیقت شکر نعمت عامل بسیار مؤثری در افزایش نعمت‌ها و الطاف الهی است که خداوند با صراحت بدان اشاره فرموده است. «و پروردگارتان اعلام کرد اگر مرا سپاس گویند، بر نعمت شما می‌افزایم و اگر کفران کنید، بدانید که عذاب من، سخت است». پدر و مادر نیز از جمله بزرگ‌ترین نعمت‌هایی هستند که خداوند به بندگانش ارزانی داشته است و باید خدا را به دلیل وجود این نعمت‌های گران‌قدر شاکر بود. در آیه ۱۴ سوره لقمان، شکر والدین هم‌ردیف شکر خدا آمده است.

«أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ»: [به انسان توصیه کردیم] که شکرگزار من و پدر و مادرت باش. امام رضا ﷺ در این باره می‌فرماید: «خدا امر فرموده به شکرگذاری از خودش و از والدین؛ پس اگر کسی والدین را شکر نگوید، خدا را هم شکر نکرده».

## ۴. آسان شدن مرگ:

امام صادق ﷺ راحتی در هنگام مرگ و آسان شدن سكرات موت را از دیگر آثار احترام و نیکی به والدین برشمرده و می‌فرماید: «کسی که دوست دارد خدای متعال

سختی‌های مرگ را بر او آسان سازد، نسبت به خویشان و نزدیکان و پدر و مادرش نیکوکار باشد و اگر چنین کند، خدای متعال سختی‌های مرگ را بر او آسان می‌کند.

مرحوم شیخ مفید، به نقل از امام جعفر صادق علیه السلام حکایت نماید: روزی به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم خیر دادند که فلان جوان مسلمان، مدتی است در سکرات مرگ و جان‌دادن به سر می‌برد و نمی‌میرد. چون حضرت رسول بر بالین آن جوان حضور یافت و فرمود: بگو لا إله إلا الله؛ ولی مثل اینکه زبان جوان قفل شده باشد و نمی‌توانست آن را حرکت دهد. حضرت چند بار تکرار نمود و جوان بر گفتن کلمه طیبه لا إله إلا الله قادر نبود. زنی در کنار بستر جوان مشغول پرستاری از او بود، حضرت از آن زن سؤال نمود: آیا این جوان مادر دارد؟ پاسخ داد: بلی، من مادر او هستم.

حضرت فرمود: آیا از فرزندت ناراحت و ناراضی می‌باشی؟ گفت: آری، مدت پنج سال است که با او سخن نگفتم. حضرت پیشنهاد داد: از فرزندت راضی شو. عرض کرد: به احترام شما، از او راضی شدم و خداوند نیز از او راضی باشد. سپس حضرت به جوان فرمود: بگو لا إله إلا الله. جوان سریعاً کلمه طیبه را بر زبان خود جاری کرد. بعد از آن، حضرت به او فرمود: دقت کن، اکنون چه می‌بینی؟ عرض کرد: مردی سیاه چهره با لباس‌های کثیف و بدبو، در کنارم می‌باشد و سخت گلوی مرا می‌فشارد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم امر کردند بگو:

«بَا مَنْ يَقْبَلُ الْبَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ، إِقْبَلْ مِنِّي الْبَسِيرَ، وَأَعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ»:

ای کسی که عمل ناچیز را پذیرا هستی و از خطاهای بسیار در می‌گذری، کمترین عمل مرا بپذیر و گناهان بسیارم را به بخشای؛ همانا که تو آمرزنده و مهربان هستی.

وقتی جوان این دعا را خواند، حضرت فرمود: اکنون چه می‌بینی؟ گفت: مردی خوش‌چهره و سفیدروی و خوش‌بو و با بهترین لباس، در کنارم آمد و با ورود او، آن شخص سیاه چهره رفت. حضرت فرمود: بار دیگر آن جملات را بخوان، وقتی تکرار

کرد، در همان لحظه روح از بدنش خارج شد و به دست پربرکت پیامبر اسلام ﷺ نجات یافت و سعادت‌مند گردید.<sup>۱</sup>

### ۵. ورود به بهشت و برخورداری از درجات بالای بهشتی:

امام باقر علیه السلام درباره مؤمنان برخوردار از جایگاه والای بهشتی، می‌فرماید: «اگر مؤمنی چهار ویژگی در خود داشته باشد، خداوند او را در بالاترین و شریف‌ترین جایگاه قرار خواهد داد.

\* کسی که یتیمی را پناه داده و بر او، پدرانۀ نظر افکند.

\* کسی که ضعیفی را مورد ترحم قرار دهد و در حد کفایت به او کمک کند.

\* کسی که به والدین خود انفاق و با آنان مدارا کند.

\* و [آن‌که] به ایشان نیکی کرده و از نگران ساختن آنها اجتناب نماید.<sup>۲</sup>

### ۶. همنشینی با نیکان:

یکی از پیامدهای نیک احترام و احسان به والدین، همنشینی با نیکان در آخرت است. بزرگ‌ترین آرزو و خواسته اهل ایمان، همنشینی با «ابرار»، چه در دنیا و چه در آخرت است.

روزی حضرت موسی علیه السلام در مناجاتی عرض کرد: خدایا! از تو می‌خواهم که همنشین مرا در بهشت، به من بنمایی تا او را بشناسم. در این هنگام جبرئیل نازل شد و گفت: ای موسی! خدای مهربان می‌فرماید: همنشین تو در بهشت، فلان مرد قصاب است. موسی علیه السلام به مغازه او رفت. جوان قصابی را دید که به مردم گوشت می‌فروخت. مدتی او را زیر نظر داشت؛ اما کار برجسته‌ای از وی ندید.

هنگامی که شب فرا رسید، قصاب به سوی خانه رفت. موسی علیه السلام نیز در پی او روان شد. چون به در خانه رسید، موسی علیه السلام گفت: ای جوان! میهمان می‌خواهی؟ قصاب گفت: میهمان حبیب خداست، بفرمایید، خوش آمدید! جوان میهمان را به خانه برد و غذایی آماده ساخت. در کنار اتاق، تختی قرار داشت و پیرزنی بسیار نحیف در آن آرمیده بود. دستان پیرزن را شست و سپس از غذایی که آماده کرده بود، لقمه در

۱. عبدالله صالحی؛ چهل داستان و چهل حدیث از حضرت رسول خدا.

۲. بحارالانوار؛ ج ۷۱، ص ۶۵.

دهانش گذاشت تا سیر شد و دوباره پیرزن را روی تخت خوابانید. در آن هنگام پیرزن دهانش را حرکت داد و سخنی بر زبان آورد؛ اما موسی نتوانست بشنود. وقتی قصاب با میهمان خود مشغول خوردن غذا شد، موسی علیه السلام گفت: بگو ببینم این پیرزن با تو چه نسبتی دارد؟ جوان گفت: او مادر من است و چون دستم از مال دنیا تهی است، نمی‌توانم برایش خدمتکاری بگیرم تا از او پرستاری کند. از این رو، خودم کارهایش را انجام می‌دهم. موسی پرسید: وقتی به مادرت غذا دادی، او چه گفت؟ قصاب گفت: هر بار که مادرم را تمیز می‌کنم و غذا به او می‌خورانم، در حقم دعا می‌کند و می‌گوید: خدا تو را ببخشد و همنشین حضرت موسی علیه السلام در بهشت قرار دهد. موسی علیه السلام گفت: ای جوان، به تو بشارت می‌دهم که خداوند دعای مادرت را مستجاب فرموده است.

### ۷. اجابت دعای والدین در حق فرزندان:

پدر و مادر از جمله کسانی هستند که دعایشان در حق فرزندان خوش‌رفتار مستجاب می‌شود. در اهمیت دعا برای فرزندان، همین بس که حضرت امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه، دعای ۲۵ را به فرزندان خود اختصاص می‌دهد و از خداوند، نیک‌بختی آنها را می‌خواهد. امام صادق علیه السلام در اهمیت دعای والدین در حق فرزندان می‌فرماید: «خداوند دعای سه کس را رد نخواهد کرد؛ دعای پدر در حق فرزند در هنگام نیکی به او. دعای پدر بر ضد فرزند (نفرین) هنگامی که مورد عاق او واقع شود و دعای مظلوم بر ظالم».

### ۸. موجب نیکی فرزندان:

اگر کسی پدر و مادرش را احترام کرد، بی‌شک نتیجه آن را در احترام فرزندان به خود خواهد دید. اگر فرزند ببیند که پدر و مادر، نیکی به والدین را سرلوحه زندگی خود قرار داده‌اند و به آن اهتمام می‌ورزند، او هم نسبت به آنان چنین خواهد



کرد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «به پدرانتان نیکی کنید تا فرزندانتان به شما نیکی کنند».<sup>۱</sup>

## احسان و نیکوکاری

همان طور که در آیات و روایات موجود می باشد، هر عمل نیکویی را که انسان انجام می دهد، از آن به احسان و نیکوکاری تعبیر می گردد. پس از تبیین جایگاه و اهمیت احسان و نیکوکاری در آموزه های دینی و ذکر تعدادی از آثار آن، این سؤال مطرح می گردد که انسان با چه هدف و نیتی به سمت کارهای خیر حرکت کند تا از آثار آن، حظ و بهره کافی ببرد؟ در پاسخ باید گفت: برای بهره مندی از آثار ارزشمند احسان و نیکوکاری، رعایت چند نکته لازم و ضروری است:

### • احسان برای رضای خدا:

بدین معناست که انسان عمل نیکی را انجام دهد و هدفش از انجام آن عمل، فقط جلب رضایت خداوند قادر و متعال باشد. اولین اصلی که در باب احسان و نیکوکاری باید رعایت شود، توجه به رضای خداوند است. خداوند می فرماید:

«قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِنْ كُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ، وَ مَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقَبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ لَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَ هُمْ كُسَالَى وَ لَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَ هُمْ كَارِهُونَ»<sup>۲</sup>

بگو: چه با رغبت و چه با بی میلی انفاق کنید، هرگز از شما پذیرفته نخواهد شد؛ چرا که شما گروهی فاسق هستید و هیچ چیز مانع پذیرش انفاق های آنان نشد، جز اینکه به خدا و پیامبرش کفر ورزیدند و جز با حال کسالت، نماز به جا نمی آورند و جز با کراهت انفاق نمی کنند.

۱. همان.

۲. توبه: ۵۳ - ۵۴.

اگر انسان توجه به رضای خداوند نداشته و از راه‌های غیر قانونی وارد شده و اقدام به احسان و انفاق نماید، جز زحمت، چیزی دیگری نصیب او نخواهد شد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اگر مردم از راهی که خداوند به آنان فرمان داده، کسب درآمد کنند و آن را در راهی که خداوند از آن بازشان داشته، انفاق کنند، آن را از ایشان نمی‌پذیرد و اگر از راهی که آنها را از آن نهی کرده، درآمد به دست آورند و آن درآمد را در راهی که خداوند بدان فرمانشان داده، به مصرف رسانند، باز هم از آنان نمی‌پذیرد، مگر اینکه از راه درست و حلال به دست آورند و در راه درست و حلال انفاق کنند».<sup>۱</sup>

### • پاکیزگی در احسان

دومین اصلی که در باب احسان و نیکوکاری باید رعایت شود، این است که اشیاء و اموالی را که پاکیزه و دوست‌داشتنی است، انسان در راه خدا انفاق کند و این مطلب را خداوند در سوره آل عمران می‌فرماید.

«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»<sup>۲</sup>

هرگز به [حقیقت] نیکوکاری نمی‌رسید، مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، در راه خدا انفاق کنید و آنچه انفاق می‌کنید، خداوند از آن باخبر است.

### • احسان بدون منت و ریا

سومین اصلی که در باب احسان و نیکوکاری باید در نظر گرفته شود، دوری از منت‌گذاری و پرهیز از آزار و اذیت است. احسان و نیکوکاری، اگر با آزار و اذیت و منت‌گذاشتن همراه باشد، هیچ سودی به حال انسان نخواهد داشت.

۱. کافی؛ ج ۴، ص ۳۳.

۲. آل عمران: ۹۲.

خدای سبحان مؤمنان را مورد خطاب قرار داده، می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»<sup>۱</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بخشش‌های خود را با منت و آزار، باطل نسازید؛ همانند کسی که مال خود را برای نشان‌دادن به مردم، انفاق می‌کند و به خدا و روز رستاخیز ایمان نمی‌آورد. کار او همچون قطعه سنگی است که بر آن قشر نازکی از خاک باشد و بذرهایی در آن افشاندن شود و رگبار باران به آن برسد و همه خاک‌ها و بذرها را بشوید و آن را صاف و خالی از خاک و بذر، رها کند. آنها از کاری که انجام داده‌اند، چیزی به دست نمی‌آورند و خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمی‌کند.

### مصادیق احسان و نیکوکاری

آنچه از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود، این است که احسان و نیکوکاری، مصادیق فراوانی دارد و فقط منحصر در احسان‌های مادی و مالی نمی‌شود. به طور نمونه: ایمان به خدا، به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قرآن کریم و معاد، تقوا و تحمل سختی‌ها و مشکلات، عفو و گذشت، محبت و دوستی اهل بیت، خیرخواهی و اصلاح، اجتناب از فساد، فحشا و گناهان کبیره، استغفار در سحرگاهان، پرداخت زکات، پرداخت کالا و هدیه مناسب برای زن مطلقه، انفاق و بخشش در راه خدا، تأمین نیازمندان و محرومان، رفتار شایسته با پدر و مادر و... از مصادیق احسان و نیکوکاری است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است.

احسان نمودن، حتی منحصر در احسان به انسان‌ها نیست؛ بلکه احسان به حیوانی که به کمک و احسان ما نیاز داشته باشد، هم همین فضیلت را دارد. مرحوم حاج سید محمدباقر شفتی رشتی، در ایام تحصیل خود در نجف و اصفهان، به قدری فقیر بود که گاهی از کثرت گرسنگی، ضعف و غش می‌کرد؛ ولی

فقر خود را کتمان می‌کرد و به احدی نمی‌گفت. تا اینکه روزی در مدرسه اصفهان، پول نماز وحشتی را بین طلاب تقسیم نمودند و از این راه وجه مختصری به دست آقا سید محمدباقر رسید و چون مدتی بود که گوشت نخورده بود و ضعف مفرطی پیدا کرده بود، به بازار رفت و جگر گوسفندی خریداری کرد. وقتی به طرف مدرسه می‌آمد، ناگاه دید در کنار کوچه سگی افتاده و بچه‌های او بر روی سینه او مشغول خوردن شیر می‌باشند؛ ولی از سگ، بیش از استخوانی باقی نمانده و از ضعف، حال حرکت ندارد. آقا سید محمدباقر با خود خطاب می‌گوید: اگر از راه انصاف قضاوت نمایی، این سگ از تو سزاوارتر بر این جگر است؛ زیرا افزون بر اینکه خود گرسنه می‌باشد، باید بچه‌های گرسنه را هم شیر بدهد. و بنابراین آن جگر را قطعه‌قطعه کرده و جلوی سگ انداخت. می‌فرمود: چون آن سگ جگر را خورد، سر به طرف آسمان کرد و صدایی کرد و من متوجه شدم که در حق من دعا می‌کند.

چندی نگذشت که نامه‌ای از محل ما، شفت آمد که یکی از بزرگان نوشته بود: برای شما مبلغ دویست تومان فرستادم؛ ولی راضی نیستم از اصل این پول استفاده کنی و آن را به مصرف برسانی. این پول را در نزد تاجری با عنوان سرمایه بگذار و از سود آن استفاده کن.

چون به این دستور عمل کردم، روزگار من جلو آمد؛ به گونه‌ای که قریب به دو هزار دکان و کاروان‌سرا خریداری نمودم و دهی دربست، از اطراف محل خود به نام «گروند» خریدم، که در هر سال اجاره آن نهصد خروار برنج می‌شد. و مالیات و مستغلات من در سال، هفده هزار تومان می‌شد! و دارای اولاد و کلفت و عائله زیادی گشتم و حدود یکصد نفر از در خانه من، نان می‌خورند! و تمام این ثروت و سعادت، در اثر ترحم به آن سگ گرسنه شد که او را بر خود ترجیح دادم.

### آثار و نتایج احسان

احسان و نیکوکاری و کمک به انسان‌های ضعیف و ناتوان، آثار و پیامدهای ارزنده و مثبتی را در دنیا و آخرت به دنبال دارد که به طور خلاصه به چند مورد آن اشاره می‌شود:

#### ۱. دوستی و صمیمیت

خدای سبحان درباره روش‌های تأثیرگذار در امر تبلیغ می‌فرماید:

«وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»<sup>۱</sup> هرگز نیکی با بدی یکسان نیست. بدی را با نیکی دفع کن! ناگاه خواهی دید همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است.

## ۲. خیر و سعادت دنیوی

خدای سبحان در مورد اجر و پاداش دنیوی احسان و نیکوکاری می‌فرماید:

«وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ»<sup>۲</sup> خداوند پاداش این جهان و پاداش نیک آن جهان را به آنها داد و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.

در آیه دیگری می‌فرماید:

«قِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ لَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ»<sup>۳</sup> و هنگامی که به پرهیزگاران گفته می‌شد: پروردگار شما چه نازل کرده است؟ می‌گفتند: پاداش خیر و سعادت برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است و در سرای آخرت، از آن هم بهتر است و چه خوب است سرای پرهیزکاران.

در کلامی که از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده است، می‌خوانیم:

«در بنی اسرائیل، مرد صالحی بود که زن نیکوکاری داشت. شبی خواب دید که شخصی به او می‌گوید: خداوند، فلان مقدار عمر برای تو مقدر کرده است که نصف آن در رفاه و آسایش هستی و نصف دیگر در مضیقه و تنگدستی. هر کدام از دو نصف را می‌خواهی، اول انتخاب کن! مرد جواب داد: من زن پارسا و دانایی دارم، با او مشورت می‌کنم، بار دیگر نزد من بیا تا به تو خبر دهم کدام نصف را اول اختیار

۱. فصلت: ۳۴.

۲. آل عمران: ۱۴۸.

۳. نحل: ۳۰.

کرده‌ام. صبح جریان خوابش را با همسرش در میان گذاشت و از او مشورت خواست. همسرش در جواب گفت: رفاه و آسایش را برای نیمه اول عمر برگزین، شاید خداوند بر ما رحم کند و در نصف دیگر نیز نعمتش را از ما قطع نکند. شب دوم فرا رسید و بار دیگر آن شخص به خواب مرد آمد و پاسخ مرد را گرفت. بعد از آن رؤیا، گشایش و وسعت از هر طرف به او رو آورد. چون نعمت‌های الهی نزد او فراوان و آشکار شد، همسرش به او گفت: خویشان و همسایگان خود را و همچنین افراد محتاج را کمک کن! آن مرد به توصیه همسرش عمل نمود. نیمه تعیین شده از عمر او، در کمال رفاه و آسایش گذشت سپس از نصف هم گذشت و همچنان وضع مالی او خوب بود و این موجب تعجب مرد شده بود. برای سومین بار، همان شخص در عالم رؤیا نزد او آمده و گفت: نیکی و احسان تو باعث شد خداوند به تو پاداش مرحمت فرماید و تا آخر عمر در نعمت و رفاه به سر خواهی برد.<sup>۱</sup>

### ۳. تعدیل اقتصادی

آنچه از آموزه‌های دینی استفاده می‌شود این است که بین احسان و نیکوکاری و نجات جامعه از فقر و فلاکت، رابطه تنگاتنگی وجود دارد؛ بنابراین در قرآن کریم می‌خوانیم:

« وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ »<sup>۲</sup> و در راه خدا انفاق کنید و با ترک انفاق، خود را به دست خود به هلاکت نیندازید و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.

### ۴. آموزش گناهان

از جمله ابزاری که باعث می‌شود آثار گناه و خطاهای انسان از بین برود و حتی آن را تبدیل به حسنات می‌نماید، احسان و نیکوکاری در حق بندگان خدا و خدمت به مخلوقات الهی است. خدای سبحان در سوره هود می‌فرماید:

۱. بحار/انوار؛ ج ۹۳، ص ۱۶۲.

۲. بقره: ۱۹۵.

« وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ »<sup>۱</sup> در دو طرف روز و اوایل شب، نماز را برپا دار؛ چرا که حسنات، سیئات و آثار آنها را از بین می‌برد. این تذکری است برای کسانی که اهل ذکر هستند.

در جای دیگری می‌فرماید:

« لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ »<sup>۲</sup> آنچه بخواهند، نزد پروردگارشان برای آنان موجود است و این است جزای نیکوکاران تا خداوند بدترین اعمالی را که انجام داده‌اند، در سایه ایمان و صداقت آنها بیامزد و آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، پاداش دهد.

## ۵. آرامش روحی

یکی دیگر از آثار ارزشمند احسان و نیکوکاری، آرامش روحی است. این کلام الهی است که می‌فرماید:

« الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ »<sup>۳</sup> آنها که اموال خود را شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است. نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند.

۱. هود: ۱۱۴.

۲. زمر: ۳۴ - ۳۵.

۳. بقره: ۲۷۴.

در آیه دیگر می‌خوانیم:

« مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ »<sup>۱</sup> کسانی که کار نیکی انجام دهند، پاداشی بهتر از آن خواهند داشت و آنان از وحشت آن روز در امان‌اند.

#### ۶. محبوبیت نزد خداوند:

احسان و نیکوکاری، باعث محبوبیت انسان نزد خدای سبحان می‌شود. جدای از تعابیر دیگری که درباره انسان‌های نیکوکار در قرآن کریم وارد شده، جمله زیبای «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» پنج بار در آیات قرآن کریم تکرار شده<sup>۲</sup> و بیانگر جایگاه و ارزش احسان و نیکوکاری در پیشگاه خداوند می‌باشد.

#### ۷. رفعت و بزرگی:

قال علی عليه السلام: «مَعَ الْإِحْسَانِ تَكُونُ الرَّفْعَةُ»<sup>۳</sup> بلندی مرتبه و مقام، به وسیله نیکوکاری به دست می‌آید.

**سبکتکین** پدر سلطان محمود (غزنوی)، صیادی بود (که) از مال دنیا چیزی نداشت، جز یک اسب و وسایل صیادی.

روزی برای صید به صحرا رفته بود. بچه آهوئی را صید کرد و او را به ترک اسبش بست و مراجعت کرد.

مقداری راه آمده بود که دید مادر آن بچه آهو، پشت سرش می‌آید و به بچه‌اش نگاه می‌کند و نمی‌تواند از او جدا شود. با اینکه **سبکتکین** در خانه چیزی برای خوردن نداشت؛ ولی دلش به حال ماده آهو سوخت و با خود گفت: گرچه این بچه آهو برای من حلال است و می‌توانم آن را ببرم و بخورم؛ ولی ترحم به مادر او، از خوردنش بهتر و دلچسب‌تر است. این بود که بچه آهو را بر زمین گذاشت. دید

۱. نمل: ۸۹.

۲. بقره: ۱۹۵؛ آل عمران: ۱۳۴ و ۱۴۸ و مائده: ۱۳ و ۹۳.

۳. غررالحکم؛ ماده حسن.



مادرش او را بغل کرد و نظری بر وی نمود. فهمید که او را دعا می‌کند. به خانه آمد و همان شب رسول خدا ﷺ را در خواب دید. حضرت به او فرمود: ای سبکتکین! خداوند برای شفقت و ترحمی که به آهو کردی، به تو دولت و سلطنت خواهد داد و تو درباره رعیت هم مهربانی و شفقت کن تا سلطنتت پایدار بماند.

۸. عاقبت به خیری:

قال علی عليه السلام: «مَنْ أَحْسَنَ إِلَى النَّاسِ حَسَنَتْ عَوَاقِبُهُ»<sup>۱</sup> هرکس به مردم نیکی کند، عاقبت به خیر خواهد شد.

### فقره دوم دعا:

وَ كَرَّةً فِيهِ الْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ:

و در این روز، فسق و معاصی را برای من ناپسند گردان.

در قسمت بعدی دعا، از خدا می‌خواهیم فسق و گناه را مورد نفرت ما قرار دهد و خشم و آتش را بر ما حرام کند.

آنچه مسلم است این است که اگر این دعا مستجاب شود و گناه و کج‌روی کسی مورد مغفرت قرار بگیرد، موجب می‌شود از آنها دوری کند و در نتیجه از خشم و آتش خدا در امان باشد. چون خشم خداوند و عذاب سوزاننده او برای فاسقان و عاصیان است و اگر کسی از گناه جدا شود، از خشم خدا به دور خواهد بود.

### فسوق و عصیان چیست؟

هرگاه انسان عملی را بر خلاف دستورات الهی انجام دهد، آن‌گاه است که گویند او عصیان پروردگار خویش را نموده است؛ یعنی سرپیچی از دستور پروردگار خویش نموده است که اگر انسان به این عمل خویش یعنی معصیت پروردگار اصرار ورزیده و ادامه دهد، او را فاسق می‌نامند؛ چرا که او دائماً به معصیت ذات اقدس الهی مشغول بوده است.

۱. همان.

این واژه ۵۳ بار در قرآن آمده است. مسلماً خارج شدن از مدار اطاعت و بندگی خداوند است که انسان را به سوی انواع و اقسام نافرمانی می‌کشاند. فرق بین فسوق و عصیان - به طوری که گفته‌اند - این است که فسوق عبارت است از: خروج از طاعت به سوی معصیت و عصیان عبارت است از: خود معصیت. به عبارت دیگر عصیان عبارت است از همه گناهان.

### نتیجه دوری از فسق و معصیت الهی

خداوند قلوب مؤمنین را به زیوری آراسته که مجذوب ایمان می‌شوند و از کفر و عصیان تنفر پیدا می‌کنند. پس بر مؤمنین لازم است دست از ایمان بر ندارند و از کفر و فسوق و عصیان اجتناب ورزند تا رشد یابند. که اگر رشد یابند، تابع رسول می‌شوند و دیگر از هواهای خود پیروی نمی‌کنند. خداوند در قرآن می‌فرماید:

« وَكَرِهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ »<sup>۱</sup> خداوند کفر و فسوق و معصیت را در نظر تان زشت و منفور ساخت و اینان به حقیقت، اهل صواب و هدایتند.

از این آیه درمی‌یابیم که اگر خداوند در نظر انسانی گناه و معصیت و هر عمل ناپسندی را زشت و منفور سازد، آن‌گاه است که آن انسان به حقیقت هدایت یافته و به مسیر سعادت دست خواهد یافت و ما نیز در این روز از خداوند می‌خواهیم تا ما را جزء چنین کسانی قرار دهد.

### در شب معراج خدا به پیامبر خطاب کرد:

ای احمد! می‌دانی متقین و پرهیزگاران در نزد من چه مقامی دارند؟  
حضرت رسول عرضه داشت: نمی‌دانم!

خداوند فرمود: در روز قیامت، زمانی که مردم مبعوث شوند، آنان از حساب سخت ایمن باشند. کمترین چیزی که به آنان عطا می شود آن است که اختیار بهشت را به دست ایشان می دهم که از هر دری که بخواهند، وارد شوند. نظر لطف و مرحمت خود را از ایشان نمی پوشانم و آنان را به انواع و اقسام نعمت‌ها و گفتارهای خود خشنود می سازم. ایشان را در جایگاه‌های نیکو جای می دهم و اعمال خیر و کارهای نیکویی که در دنیا به جای آورده‌اند را به آنان متذکر می شوم.

چهار در از درهای بهشت را به روی آنان بگشایم. از یک درب آن، ارمغان‌ها و هدایای بهشت، صبح و شام از طرف من وارد می شود. درب دوم که از آن بدون زحمت و به هر شکلی که بخواهند، به من نگاه می کنند. درب سوم که از آن به آتش جهنم نگاه کنند و ببینند که ستمگران چگونه عذاب می شوند. و چهارمین در که حوریان و خدمت‌گزاران بهشت از آن وارد می شوند.

ای احمد! لباس‌های پرزرق و برق می پوش. غذاهای رنگارنگ منخور و خوابگاهت را نرم و لطیف منما؛ زیرا نفس آدمی، جایگاه هر شر و رفیق هر بدی است، به گونه‌ای که تو او را به اطاعت از پرورگارت می کشانی و او تو را به معصیت وا می دارد؛ زیرا او به گناه و معصیت راغب‌تر است، تا اطاعت از اوامر و نواهی پروردگار. هرگاه سیر شد، طغیان می کند و هرگاه گرسنه ماند، شکایت می کند. هرگاه فقیر شد، غضب می کند و هرگاه ثروتمند شد، تکبر می کند. هرگاه بزرگ شد، مرا فراموش می کند و هرگاه ایمن شد، از من غافل می شود.

ای احمد! بر تو باد به اجتناب و دوری از آنچه حرام شده است؛ زیرا تقوا، اول، وسط و آخر دین است. همانا دوری از آنچه حرام شده، وسیله نزدیکی به خداوند بلند مرتبه است. ای احمد! تقوا زینت مؤمن و ستون دین است. مثل تقوا، مانند کشتی است؛ همان‌طور که کسی از دریا نجات پیدا نمی کند مگر به وسیله کشتی، پارسایان نیز نجات پیدا نمی کنند، مگر به وسیله تقوا و پرهیزکاری.

ای احمد! آیا می دانی چه وقت بنده عابد می شود؟

عرض کرد: بار الها! نه. خداوند فرمود: هرگاه هفت خصلت در او جمع شود:

۱. تقوا و پرهیزکاری که او را از کارهای حرام مانع شود.
۲. سکوتی که او را از حرف‌های بیهوده نگاه دارد.
۳. ترس و بیمی که هر روز گریه او را زیاد کند.
۴. شرمی که هر روز در خلوت از من داشته باشد.
۵. غذایی که ناچار به خوردنش است را دشمن بدارد.
۶. دنیا را به واسطه اینکه من آن را دشمن دارم، دشمن بدارد.
۷. خوبان را به دلیل آنکه من آنها را دوست دارم، دوست بدارد.<sup>۱</sup>

### فقره سوم دعا:

وَ حَرَّمَ عَلَيَّ فِيهِ السَّخَطَ وَ النَّيْرَانَ بَعْوَنِكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ:

و در این روز، آتش قهر و غضب را بر من حرام گردان؛ به یاری خود ای فریادرس فریاد خواهان.

درباره حرمت آتش جهنم، در حدیثی از رسول خدا ﷺ آمده: «کسی که چهل روز نمازهای خود را با جماعت به جا آورد، به طوری که یک تکبیره الاحرام از او فوت نشود، برای او آزادی از آتش جهنم و آزادی از نفاق، نوشته می‌شود».<sup>۲</sup>

خداوند عزوجل در قرآن می‌فرماید:

«وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»<sup>۱</sup> و از خداوند بترسید [و تقوای او را پیشه کنید] و بدانید به درستی که خداوند، سخت عذاب است.

۱. محمد تقی مصباح یزدی؛ راهیان کوی دوست (شرح حدیث معراج).

۲. محجه البیضاء؛ ج ۱، ص ۲۴۴.

که این عذاب و عقاب الهی، برای کسانی می‌باشد که به معصیت و نافرمانی ذات اقدس او مشغولند، به طوری که شکرگزار نعمت‌های خداوند نبوده و خداوند از آنان راضی نمی‌باشد. چنانچه خداوند متعال در قرآن در مورد دلیل عذاب بندگان خویش می‌فرماید:

«مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا»<sup>۲</sup>

اگر شما از لطف خداوند شکرگزار باشید و به او ایمان آورید، خداوند چه غرضی دارد که شما را عذاب کند؟ که خداوند در مقابل نعمت، شکر شما را می‌پذیرد و عملش به صلاح خلق احاطه دارد.

پس با توجه به این آیه، کسانی از عذاب الهی در امانند و آتش دوزخ بر آنان حرام است که تقوای الهی پیشه نموده و از معاصی و نافرمانی از دستورات او بپرهیزند.

۱. مائده: ۲.

۲. نساء: ۱۴۷.